

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم "اسیر"

خوبان کابل

در یادداشتهای گذشته شعری را پیدا کردم که شست سال پیش بقسم مشاعره با دوست عزیزم "یوسف کهزاد" که بر علاوه نقاشی، هنرمندی، نویسندگی، به سبک هندی شعر هم میسراید، سروده شده است. امیدوارم این مختصر از نظر شان بگذرد و در صورت امکان شعر خود را - به همین قافیه و ردیف - به پورتال محترم "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" برای نشر بفرستند.

گرچه این مشاطگان بسیار کاکل بافتند
چون بگیسوی تو برخوردند ، سنبل بافتند

در نمازم لعل میگون تو می آید به یاد
سبحه و سجاده ام تر کرده در مُل بافتند

داغدار درد هجرانم سراپا ، گوئیا
جاکت جان مرا خوبان کابل بافتند

نیست گل این جامه گلناری دست قضاست
کز ازل بهر نوازشهای بلبل بافتند

طرح ریزان قضا ما را ز مضمون وفا
خوب رویان جهان را از تغافل بافتند

این گدایان در گدائی آبرو ریزی کنند
بهر بگذشتن [ز آب روی خود پل] بافتند

گر [اسیرم] ای نواسنجان گلشن باک نیست

چون قفس را بهر من از شاخه گل بافتند

(حضرت کابل - میزان 1330 ش)